



# اتوپیا و امید: دو جستار

آغازی بر فلسفه اتوپیایی:  
مقدمه‌ای بر کار ارنست بلوخ

جان گرینوی

و

فلسفه و امید:

ارنست بلوخ و کارل لوویت، مفسران مارکس

دیگو فسارو

ترجمه شروین طاهری

- اتوپیا و امید: دو جستار
- ترجمه شروین طاهری
- ویراستار: فرهاد علی نژاد
- طراح جلد: نیما حامدی • صفحه آرا: نفیسه عطاران
- چاپ اول: تابستان ۱۴۰۳ تهران • ۳۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۰۵۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: گیلان
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۳۹۹-۵-۳
- نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، مرکز خرید دانشگاه، طبقه زیر همکف، واحد ۹
- تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۸۳۷۸ • کدپستی: ۱۳۱۴۷۵۵۵۷۱
- نشر اسطوره پرومته • [www.prometheepub.com](http://www.prometheepub.com)
- [prometheepub](https://www.instagram.com/prometheepub) • [prometheepub](https://www.facebook.com/prometheepub)



• همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

## فهرست

۷	مقدمه مترجم فارسی
۱۱	آغازی بر فلسفه اتوپایی: مقدمه‌ای بر کار ارنست بلوخ (جان گرینوی)
۱۲	سپاسگزاری
۱۳	۱. آغازیدن در پایان: امید در زمانه ناامیدی
۲۵	۲. امر نه-هنوز، ناتمامی و بازگشت به تاریخ
۳۷	۳. مارکسیسم و سیاست نبرد اتوپایی
۴۷	۴. اصل امید: رؤیاهایی از زندگی بهتر
۵۵	۵. کلام آخر: پیدایش در انتها
۶۳	فلسفه و امید: ارنست بلوخ و کارل لوویت، مفسران مارکس (دیگو فسارو)
۶۵	۱. مقدمه
۶۹	۲. کارل لوویت: فلسفه یا امید
۸۵	۳. ارنست بلوخ: فلسفه و امید
۱۰۱	۴. بلوخ و لوویت در مواجهه با مارکس
۱۳۹	۵. نتیجه‌گیری: زوال مارکسیسم، کسوف امید؟
۱۴۵	یادداشت‌ها
۱۶۱	منابع و کتاب‌شناسی



## مقدمه مترجم فارسی

۱. هیولاهای آهنین چنگال هایشان را بر قلب انسان فرو می‌کنند. گویی مجازات زئوس برای پرومته، به چنگ آوردن قلب «پیش‌نگر» او که آینده یعنی غروب خدایگانی‌اش را می‌بیند، از نو برقرار شده است. خدایگان جهان نو مدتی در تخت آرامش خویش بازی حیوانات دوپا در حاشیه مرزهایش را نظاره می‌کرد و در عیش مدام از آن بهره‌ها می‌برد. اما گویی آتش بار دیگر دزدیده شده، گویی جرقه‌های آتش جاویدان بار دیگر بر هیزم‌های مردمان افتاده و مشعلی به سوی آینده برافروخته. انسان این بار در لباسی تازه و در باریکه‌ای کوچک «قد راست کرده» و می‌کوشد منجی دیگران باشد. و همین روایت است که ما را به امکان امید و بازگشت «نه-هنوز انسان» بازمی‌گرداند. اگر آن‌طور که خواب‌گزاران جهان المپ می‌نوشتند انسان در نهایت خویش محقق شده بود، موجودی دوپا و خودخواه که تنها با قواعد آسمانی سرمایه و پاسداران تا دندان مسلحش امکان دوام دارد، اگر انسان زیاده‌انسان چیزی نبود مگر «مطلوبیت نهایی» و اگر تاریخ روایت کج خلقی مشتکی «تمامیت خواه» بود که می‌خواستند منافع نهایی خویش را بر دیگران حاکم سازند، پس چگونه است که برادرزاده تکنولوژیک تیفون، این خصم آدم، و پیش-نگریستنش از نو بال گشوده تا جگرها را از هاویه بیرون کند؟ غزه نه پدیداری فروکاستنی به جنگ «اعراب-اسرائیل» که آوردگاه تولد دوباره تاریخ است. بماند که مدتی قبل از بهار عربی تا رویدادهای ناگفتنی دیگر زندگی کوشیده

بود با پیوند زدن خویش به صورت متعینش، تاریخ، بار دیگر از زیر خاکستر پیکره زنجیرشده به کوه شکوفان شود. و باز بماند که ناانسان بارها فریب تشنگی را خورد و آتش را با جرعه‌ای آب معاوضه کرد. اما تاریخ بار دیگر سوژه خویش را طلب کرده تا سلسله مراتب آسمان تاریک عصر ظلمت را به چالش طلبد. سرمایه گورکنانش را که مدت‌ها بود مدفون شده بودند از نو در حال بیدار شدن می‌بیند و نهادهای خواب‌گزار ناگهان خود را تسخیرشده بازمی‌یابند. آری، پرومته از نو نجوا می‌کند و چیزی جز امید از نجوایش آشکار نیست. دانشگاه، این زندان «اهلی‌سازی»، اینک به خروش آمده و پردیس‌های دانشگاهی نوید «انسان طراز نوین» را می‌دهند. خیابان‌ها بار دیگر محل «ملاقات» انسان‌ها است و فضای تجاری‌سازی شده به سایه‌ها پس می‌نشیند. و نقاب مزورانه سرمایه و دولتش از نو فرومی‌افتد تا گفتار انگلس بار دیگر سرلوحه شود: «دولت چیزی نیست مگر ابزار سرکوب طبقاتی.»

۲. تری ایگلتون از آنان که نیمه‌های پر لیوان را ترویج می‌کنند متنفر است. آنان که می‌کوشند واقعیت واقعاً موجود را با خوش بینی منفعل چون بهترین صورت ممکن زندگی جا بزنند. او ترجیح می‌دهد با گرامشی همراه باشد: بدبین، اما امیدوار. احتمالاً نوشتن حماسی درباره بازگشت انسان و تاریخ آن هم تنها با نگاهی خیره و انتزاعی به مادیت رویدادهای اکنون می‌تواند به سرعت به نوعی ایمان خوش بینانه بلغزد، اینکه شکاف سرسام‌آور شاخصه‌های زندگی، ویران شدن هرروزه زنان و اقلیت‌های دیگر، جنگ‌های ناتمام و برافروخته برای تجارت را با یک ضرب کناری افکنیم تا کورسویی از تلاش‌های محدود را بزرگ‌نمایی کنیم. اما چیزی که در این هشدار پنهان می‌ماند ترس خوردگی «تخیل جنگجو» است. گویی چسبیدن به جریان سرد زندگی، همان واقعیت سرمایه‌دارانه و انسداد افق‌مندی، چون هویتی دیرپا در کاسه سرمان نجوا می‌کند تا «به زندگی خودمان بپردازیم، تا چراغی را که به خانه رواست برای مسجد خرج نکنیم، تا برنده باشیم و ساعت الکترونیکی اپل را غایت قصوی بدانیم». زمانه بدون امید زمانه خصوصی شدن همه چیز است. و بخشنده‌ترین‌ها فقط «مایملک

بیولوژیک» خود را شایسته توجه می‌دانند. اشتیرنر می‌گفت حتی نام‌ها هم از بیان ذات تکین فرد درمی‌مانند، انسان به مثابه اسمی عام که جای خود را دارد! چیزی هست که تنها مایملک من است، نام‌ناپذیر و تسخیرناشدنی، و هرکس که بکوشد آن را در نوعی انتزاع عام کَلیت ببخشد در جهت نابودی خویش و جهان «من و هرآنچه از اوست» گام می‌زند. با این همه خوانشی چنین بدبینانه از من اشتیرنری را می‌توان وارونه ساخت: آری، انسان هنوز انسان نشده است یا ما هنوز آنچه از آن خویش است را به دست نیاورده‌ایم. این چرخش در خوانش افقی تازه را نه از بیرون که از درون ماهیت یا ذات انسان می‌گشاید، افقی که امید را بیدار می‌کند و نشان می‌دهد که امید در لبه فقدان همیشگی «چیزی بودن» نهفته است. به این اعتبار تفسیر دوباره گفتار گرامشی به جای توصیف وضعیت به مداخله در آن مبدل می‌شود و جا برای نوعی فلسفه امید باز می‌شود. بدبین به فقدان و امیدوار به آینده‌ای که می‌تواند بر فقدان غلبه کند، یا به تعبیر بلوخ: وقتی سرانجام به خانه بازمی‌گردیم. بازیابی صدایی که از آینده می‌آید، تصویری کوچک از چیزی نه-هنوز، دیدن مادیت سرد اکنون را منتفی نمی‌سازد. برعکس، تنها با امید یا همان گشایش تاریخ آینده در اکنون می‌توان گرما و سرما را با هم نظاره کرد. جنبش‌های نوظهور معلول وضعیت‌های بسته مادی‌اند، اما هم‌زمان چیزی بیشتر را هم با خود حمل می‌کنند. آنها می‌خواهند به جهان اگر طور دیگری باشد، صورت ببخشند و در این میان ناانسان‌گامی دیگر به سوی انسان راست‌قامت بر خواهد داشت.

۳. کتابی که در دست دارید در واقع دو کتاب کوچک است: آغازی بر فلسفه اتوپیا: مقدمه‌ای بر کار ارنست بلوخ نوشته جان گرینوی و فلسفه و امید: ارنست بلوخ و کارل لوویت، مفسران مارکس نوشته دیگو فسارو. کتابچه اول همین امسال منتشر شده و می‌کوشد نشان دهد چگونه می‌توان با ارجاع به فیلسوف اتوپیا، انگاره‌های مدفون‌شده گذشته و نیروی فعال نهفته در آن را در تخیلی انضمامی احیا کرد و بدین ترتیب برای به چالش کشیدن دوباره جهان موجود زمینه‌هایی فراهم آورد.

بنابراین، متن متنی امیدوار و مبارزه‌جو است. اما متن دوم که چند سالی پیش نوشته شده میان بدبینی کارل لوویت و امیدواری فلسفی بلوخ مقایسه‌ای ترتیب می‌دهد و می‌کوشد نشان دهد آیا می‌توان فلسفه را با امید همراه کرد یا نه. کنارهم آوردن این دو متن نیز به همین دلیل است. از امید به سوی تردید به امید و برعکس. از طرف دیگر این دو جستار تا حد بسیاری زمینه‌های مقدماتی ورود به فلسفه ارنست بلوخ را فراهم می‌آورند و با طرح برخی مفاهیم مرکزی نظریه او می‌کوشند صورت منسجمی به کارهای او ببخشند. می‌ماند این نکته که کتابچه دوم پیش‌تر در سایت حلقه تجریش منتشر شده و انتشار دوباره‌اش در این کتاب به دلایل پیش‌گفته لازم به نظر می‌رسید.

\*\*\*

این اثر مثل تمامی آثار دیگر متعلق به نسرين است. او برای من همچون نور و نیروی پیش‌ران زندگی است. درعین حال هیچ‌یک از ترجمه‌ها و نوشتارهایم بدون حضور و گفت‌وگوی مستمر دوستان حلقه تجریش میسر نمی‌شدند. این کتاب خاص اما مدیون عرفان آقایی و سامی آل‌مهدی است؛ عرفان معرف کتاب بود و سامی محرک ترجمه‌اش. سرانجام بدون پشتیبانی بهزاد کورشیان و تلاش نستوهش برای تأسیس انتشارات اسطوره پرومته عملاً هرگز چنین کتابی منتشر نمی‌شد. باید از فرهاد علی‌نژاد ویراستار کار نیز تشکر کنم که معمولاً متن‌های ناسفته من را چنان بهبود می‌بخشد که بازخوانی‌اش برایم حکم کشف دوباره دارد. مسئولیت خطاهای احتمالی با مترجم است، امیدوارم با گوشزدکردن آنها به بهبود کارهای آتی یاری رسانید.